

مقدمه

بازار فارکس سه رکن اصلی دارد که عبارتند از علم تحلیلگری، مدیریت سرمایه و روانشناسی که این سه رکن مانند سه پایه یک صندلی هستند و در صورت ضعف یکی از آنها دو رکن دیگر نمیتوانند صندلی را نگه دارند. به عبارتی نمیتوان گفت عدم تبحر در یک مورد تنها درصدی از موفقیت ما میکاهد بلکه باید گفت حتی اگر فقط در یک مورد ضعف وجود داشته باشد احتمال موفقیت به شدت کاهش میابد. اکثر افرادی که در این بازار شکست میخورند کسانی هستند که به این کار به عنوان یک قمار نگاه میکنند در صورتی که فارکس یک علم است. برای موفقیت در این بازار چاره ای جز یادگیری و تمرین نیست و صد البته باید گفت که در صورتی که راه رسیدن به هدف را درست برویم و برای یادگیری تلاش کنیم مطمئناً عوایدی که در آینده نصیب ما خواهد شد ارزش این زحمات را خواهد داشت. بنابراین توصیه میکنیم برای بدست آوردن پول عجله نکنید و همچنین به هیچ وجه آرزوهای رویایی در سر خود نپرورانید.

به منظور موفقیت مبنایست شرکت در بازار فارکس را بعنوان یک رشته کار جدی و مداوم که در بلند مدت شخص به آن مبادرت میورزد تصور و قبول نمود و با این تصور مطالعات عمیقی را درباره کسب اطلاعات و مهارتهای لازم بمنظور درست انجام دادن معاملات شروع و ادامه داد. و در واقع دلیل برخی از ملاحظات روانشناسی هدف اصلی سرمایه گذار بجای بهره برداری مالی باید این باشد که در این رشته استاد گردد و به بهترین وجه ممکن و پیروی از اصول و قواعد صحیح سرمایه گذاری معاملات را انجام دهد و البته هنگامیکه شخص از لحاظ اطلاعات و مهارتهای لازم به درجه قابل قبولی نائل شود، درآمد مالی نیز به تبع آن حاصل خواهد شد.

مهمترین هدف در بازارهای مالی حفظ بقاء میباشد، بدین معنی که مبیاید از خطراتی که احتمالاً امکان دارد سرمایه را تقلیل داده و یا به نا بودی بکشاند اجتناب نمود. هدف بعدی ایجاد یک درآمد معقول و معین که بطور مستمر و مکرر بتواند منجر به ازدیاد سرمایه گردد می باشد و آخرین هدف بدست آوردن سودهای بالاتر جهت استفاده و برآوردن آرزوهای مالی میباشد، ولی کسب معلومات و حفظ بقاء مبنایست در رأس اهداف معامله گر قرار گیرد. متأسفانه اغلب تازه واردین، بهره برداری از بازار بمنظور برآوردن رویاهای مالی خود در کوتاه مدت را تنها هدف خود قرار میدهند و اکثر این افراد نیز به دلیل عدم احساس نیاز به یادگیری و کسب معلومات در زمان کوتاهی شکست خورده و با تجربه تلخی بازار را ترک میکنند.

اهمیت مباحث روانشناسی در بازار مبادلات ارز (فارکس) در حدی است که عدم اشراف کامل به آن و عدم رعایت قوانین آن میتواند سدی قوی در برابر موفقیت باشد.

مجموعه ما در راستای رسیدن به این اهداف سعی دارد مطالب ارزشمند و متون ترجمه شده انگلیسی را در قالب جزوات آموزشی و بطور رایگان جهت استفاده شما در اختیارتان قرار دهد. جزوه حاضر برداشتی است آزاد از کتاب **7 Habits of a Highly Successful Trader** نوشته Mark Crisp در زمینه مباحث روانشناسی شخصی که امیدواریم مطالب آن برای شما مفید واقع شود. هرگونه پرسش یا سوالی در این ارتباط را بدون هیچ درنگی از طریق انجمنهای ویژه در سایت www.tfx.ir و یا مراجعه حضوری با ما در میان بگذارید.

گردآوری و ترجمه: حمیدرضا سابعی

صاحب امتیاز: www.tfx.ir

1- مسئولیت پذیر باشید Take Complete Responsibility

تمام تریدر های موفق بر این مسئله که تمام تصمیمات را خودشان میگیرند و آنها را انجام میدهند و در نتیجه مسئولیت تمام این فعالیتها فقط و فقط بر عهده خودشان است اتفاق نظر دارند . بدین معنی که شما نمیتوانید یک معامله گر موفق را پیدا کنید که شخص دیگری را باعث بوجود آمدن نتیجه کار خود بداند خواه نتیجه مثبت باشد یا منفی. این خصوصیت یکی از خصوصیات هر تریدر موفق است که اگر اشتباهی را مرتکب شوند مسئولیت آن را قبول میکنند و به عوض سلب مسئولیت و مقصر دانستن دیگری سعی میکنند آن اشتباه را پیدا کنند و در صدد رفع آن برآیند.

شما هرگز نمیتوانید تصور کنید که آقای وارن بافت در یک معامله سهام چند میلیون دلار از دست داده و مقصر اصلی این زیان را شرایط عمومی بازار و یا گرفتن مشاوره اشتباه از کارگزار می داند . چنین چیزی غیر ممکن است بلکه در اینگونه موارد اولین سوالی که در ذهن یک تریدر موفق شکل میگیرد این است که " آیا من از قوانینی که برای معاملاتم طرح ریزی کرده و میبایست اجرا نمایم پیروی کرده ام ؟ " اگر پاسخ بله باشد آنها به سراغ قوانین خود میروند چون احتمالاً لازم است تا آنها را بازنگری کرده و با اصلاح آنها از ضررهای بعدی جلوگیری کنند . اما من میدانم که در اکثر موارد پاسخ آنها به این سوال خیر میباشد و دلیل اصلی زیان آنها عدم پیروی دقیق از قوانینشان است.

زمانی که اکثر آنها در پاسخ به سوال " آیا من از قوانینی که برای معاملاتم طرح ریزی کرده و میبایست اجرا نمایم پیروی کرده ام ؟ " به خودشان پاسخ منفی دادند آنگاه با خود فکر میکنند که چرا در پیروی از قوانین موفق نبوده اند و چطور میتوانند این اشتباه را تکرار نکنند.

نکته ای که باید به آن دقت کنید این است که آنها این سوالات را فقط از خودشان میپرسند و تنها خودشان را مسئول اشتباهات شان میدانند و به عوض اینکه دنبال شخص دیگری به عنوان مقصر بگردند در جستجوی یافتن راهی میروند تا بتوانند از قوانین سیستم معاملاتی‌شان بطور کامل پیروی کنند. اگر شما عادت دارید در زمان شکست دنبال مقصر دیگری بگردید و علت شکست را از دیگران جویا شوید باید بگویم شما نمیتوانید تریدر موفقی باشید.

اگر شما یک سیستم معاملاتی دارید که قبلا آن را تست کرده اید و در دراز مدت از آن نتیجه گرفته اید و این سیستم با خصوصیات فردی شما همخوانی دارد چه دلیلی دارد که دائما به فکر پیدا کردن یک سیستم جدید باشید؟ اینکار به غیر از اینکه شما را گیج کند و باعث شود تا افکارتان خراب شود هیچ چیز دیگری عایدتان نخواهد کرد. این یک واقعیت است که اکثر مردم فکر میکنند روش زندگی برخی بهتر از روش زندگی آنهاست و این مسئله در ترید هم صادق است. سیستم معاملاتی را که برای خود طرح ریزی کرده اید بپذیرید و تمام عواقب آن را (مثبت یا منفی) قبول کنید و سعی کنید راه حل مشکلات را در درون سیستم تان بیابید. به جای جستجو و صرف وقت برای پیدا کردن سیستمهای دیگر سعی کنید سیستم معاملاتی خودتان را بهینه کنید. ابتدا مشکلات را از درون خود سیستم پیدا کنید و سپس آنها را رفع نمایید. اگر واقعا از عهده اینکار بر نمی آید توصیه میکنم معامله در بازار را برای همیشه کنار بگذارید. مطمئن باشید اهمیت پیروی از قوانین به مراتب بیشتر از خود قوانین می باشد.

حال که شما یک سیستم معاملاتی دارید که قبلا تست شده و از قوانین وضع شده در آن پیروی میکنید دیگر چه نیازی دارید که نظر شخص دیگری را در رابطه با پوزیشن تان بدانید. هر گاه احساس کردید که به شک افتاده اید و این نیاز را در خود دیدید که لازم است تا نظر شخص دیگری را راجع به پوزیشن تان بدانید بلافاصله پوزیشن خود را ببندید و

تمام قوانین معاملاتی تان را چک کنید و تلاش کنید تا بفهمید کجای کارتان ایراد داشته که باعث شد تا بخواهید دیگران راجع به پوزیشن تان نظر بدهند. اینکار را آنقدر ادامه بدهید تا متقاعد شوید که همه چیز طبق قوانین تان پیش می‌رود و شما نیازی به دانستن نظر دیگران در باره این پوزیشن خاص ندارید. نگاه می‌توانید مجدداً معامله را آغاز کنید. برای اینکار شما نیاز دارید تا یک سیستم معاملاتی برای خودتان طراحی کنید و بارها و بارها آن را مطالعه و آزمایش کنید و بعد از آن مهمترین نکته ای که باید رعایت کنید پیروی کامل از قوانین این سیستم است. باید یاد بگیرید که فقط و فقط جزئیات سیستم خودتان را اجرا کنید و به حرفهایی که دیگران می‌زنند توجه نکنید. بعنوان مثال فرض کنید شما بر طبق اصول معاملاتی خودتان پیش بینی میکنید ارزش دلار افزایش خواهد یافت و پوزیشنی در جهت خرید دلار باز میکنید حال دیگر شما نیازی ندارید به تحلیل شخص دیگری که اعتقاد دارد ارزش دلار کاهش خواهد یافت توجه کنید و تنها وظیفه شما این است که چک کنید و مطمئن شوید که در باز کردن این پوزیشن از تمام اصول و قوانین سیستمتان پیروی کرده اید.

تمرین کنید و یاد بگیرید که به قوانین سیستم خودتان پایبند بمانید و مطمئن باشید این بهترین کاری است که می‌توانید انجام دهید. اگر شما جزو افرادی هستید که از خود می‌پرسند " چرا اینگونه رفتار کرد " و یا " بازار باعث شد تا من ضرر کنم " این جملات را فراموش کنید و فقط از خود بپرسید آیا من از قوانین پیروی کرده ام؟ اگر جواب شما بله بود بدانید که راه را درست می‌روید و اگر پاسخ شما منفی بود به دنبال اشتباه خود بگردید و سعی کنید که آنرا تکرار نکنید. اگر بتوانید اینکار را بصورت یکی از عادات معاملاتی تان درآورید مطمئناً از نتایج خوب آن متحیر خواهید شد.

2- یک سیستم معاملاتی مناسب برای خود داشته باشید

Have a System That Fits You

تریدر های بسیاری در این بازار به فعالیت مشغولند . بعضی بلند مدت کار میکنند . بعضی معامله گر روزانه هستند . بعضی ترجیح میدهند اسکالپ کنند و... اما یک نقطه اشتراک که در بین تمام تریدر های موفق میتوان یافت این است که هر کدام یک سیستم مناسب برای خود دارند . اینکه سیستم آنها چیست و چگونه کار میکند اصلا مهم نیست و تنها چیزی که اهمیت دارد این است که این سیستم با خصوصیات فردی آنها همخوانی دارد و آنها از طریق همین سیستم به سود رسیده اند . برخی از آنها مانند آقای وارن بافت که یک سرمایه دار بزرگ است از بازار سهام میلیونها دلار درآمد دارد . یا بسیاری از معامله گران روزانه هستند که در عرض یکسال دومیلیون دلار سود را از آن خود میکنند . حتی خیلی از معامله گران کوتاه مدتی هستند که قریب دو و نیم میلیون دلار سود سالیانه نتیجه فعالیت آنها در این بازار است . ولی آیا همه این افراد مثل همدیگر کار میکنند ؟ باید بگویم خیر . هر کدام از آنها از یک سیستم جداگانه که با خصوصیات فردی آنها همخوانی دارد استفاده میکنند و شاید تنها نقطه اشتراک آنها این باشد که همگی به سیستم شان مسلط هستند و همچنین همگی آنها از درآمدی که کسب میکنند رضایتمندی کامل دارند . آنها هیچ وقت فکر استفاده از سیستم دیگران را به مغزشان راه نمیدهند و هیچ شخصی هم سعی نمیکند تا سیستم دیگری را به آنها معرفی کند و یا پیشنهاد بدهد .

شاید خیلی ها علاقه داشته باشند که یک معامله گر روزانه باشند اما باید بدانید که خصوصیات هر کسی برای اینکه معامله گر روزانه باشد مناسب نیست . بعنوان مثال یک معامله گر روزانه ممکن است در طی روز چندین ساعت را پشت سیستم مترصد موقعیتهای احتمالی بنشیند که

اینکار کاری نیست که از عهده همه بر بیاید . شاید برای همین است که از کل افرادی که خود را معامله گر روزانه میدانند فقط عده ای موفق به کسب سود از بازار می شوند و در عوض بسیاری در حال ضرر دادن هستند در حالی که آنها نمیدانند مشکل شان کجاست و شاید اصلا نمیدانند که این سیستم با طبیعت آنها سازگار نیست.

بسیاری از معامله گران با سرمایه های زیاد ترجیح میدهند در بازار سهام خریدی انجام دهند و برای مدت طولانی (فرضاً یکسال) آن را نگهداری کنند . آنها پس از یکسال ممکن است این سهام خریداری شده را به چند برابر قیمت بفروشند . این افراد بدون اینکه وقت زیادی را صرف کنند سودهای قابل توجهی بدست میاورند اما آیا هرکسی میتواند انقدر صبور باشد که یکسال در انتظار نتیجه معاملاتش بماند ؟ همه ما بسیار شنیده ایم و خوانده ایم که یک نقطه مشترک بین تمام مدیران موفق در دنیا وجود دارد و آن این است که تمام آنها عاشق شغل شان بوده اند و با رضایت کامل این شغل را انتخاب کرده اند . به عقیده من این موضوع در مورد معامله گران نیز صدق میکند . شما نمیتوانید یک معامله گر موفق بشوید مگر اینکه واقعا به معامله کردن علاقه مند باشید . هر گاه به درجه ای از علاقه مندی برسید که حاضر نشوید ترید را با کار دیگری عوض کنید مطمئن باشید در پی آن به سود هم خواهید رسید.

حال ببینیم چطور باید یک سیستم معاملاتی پیدا کنیم که برای ما مناسب باشد . به گذشته برگردید و یکبار دیگر اهداف خود را مشخص کنید . این سوالات را از خودتان بپرسید :

- 1) چقدر بازده برای یکسال را مناسب میدانید؟
- 2) برای اینکار چقدر میتوانید وقت بگذارید؟ تمام وقت؟ پاره وقت؟ یا هر زمانی که لازم باشد میتوانید کار کنید.
- 3) آیا تحمل اضطراب و فشار ناشی از معامله گر روزانه بودن را دارید؟
- 4) آیا انقدر صبر و شکیبایی دارید که بتوانید یک معامله گر بلند مدتی

باشید؟

5) خصوصیات فردی شما چگونه است؟ آیا شخص فعالی هستید؟ آیا قدرت تصمیم گیری سریع در مواقع لزوم را دارید؟
6) چه کتابهایی راجع به نحوه ترید کردن را مطالعه کرده اید؟ روش کدام یک از معامله گران حرفه ای را میپسندید و چرا؟ آیا می توانید سیستم آنها را یاد گرفته و اجرا کنید؟

شما نمیتوانید بدنبال سیستم یک معامله گر روزانه بروید در حالی که برای اینکار ساخته نشده اید. باید تلاش کنید سیستمی برای معاملاتتان پیدا کنید که برای شما مناسب باشد و سپس تصمیم بگیرید بهترین معامله گر در این سیستم بشوید.

مثلا من خودم ترجیح میدهم که یک سهم را امروز سی دلار بخرم و نه ماه بعد به قیمت یکصد و سی دلار بفروشم ولی این کار همیشه میسر نیست و این امکان وجود دارد که چنین اتفاقی فقط یک یا دوبار در سال بیافتد. من بسیار صبور هستم و چنانچه شرایط را مناسب نبینم هرگز معامله نمیکنم. من ترجیح میدهم در طول روز تنها چند دقیقه به نمودارها نگاه کنم و مابقی اوقاتم را صرف خواندن و نوشتن بکنم. توجه کنید که این سیستم بهیچ وجه نمیتواند برای هر کسی مناسب باشد اما اهمیت آن برای من این است که پس از سالها از من و خطا موفق شدم سیستمی را بیابم که با خصوصیات شخصی من کاملا همخوانی دارد و سپس تنها هدف من این شد که بهترین تریدر دنیا در این سیستم باشم.

به نظر من شما هم باید کاری شبیه به آنچه من کردم را انجام بدهید. اگر شما با سیستمی کار میکنید که با خصوصیات شخصی شما منطبق نیست من به شما اطمینان میدهم که نه تنها باید گرفتن سودهای کلان را فراموش کنید بلکه اصلا ممکن است نتوانید کمترین درآمدی برای خود بسازید.

اگر شما یک معامله گر تازه وارد هستید و یا در سیستمی که استفاده میکنید ناموفق بوده اید پیشنهاد من به شما این است که کار را با پرسیدن این سوال از خودتان شروع کنید :

کدام روش معامله با خصوصیات شخصی من همخوانی دارد ؟
برای یافتن پاسخ این سوال وقت بگذارید و پاسخ مناسبی برای آن پیدا کنید چرا که اگر خشت اول محکم و استوار نباشد در اینصورت اگر حتی تمام خشتهای بعدی را محکم و درست بگذارید نه تنها بنایی که قصد ساختن آن را دارید فرو خواهد ریخت بلکه مقدار زیادی از سرمایه شما را نیز با خود از بین خواهد برد.

عمده ترین دلیل عدم موفقیت در بازار همین است که افراد سیستم مناسبی برای خود ندارند . شاید خریدن نرم افزارهای جدید (سیستمهای خودکار) و یا پیروی از یک مربی جدید بتواند نتیجه کار شما را تا حدودی عوض کند ولی هرگز نمیتواند باعث موفقیت کامل شما بشود. امیدوارم با این جملات توانسته باشم اهمیتی که در داشتن یک سیستم مناسب در ذهن من است را به شما منتقل کنم.

به نظر من تریدری که بتواند مدت دو سال در بازار حضور داشته باشد به سمت موفقیت پیش میرود زیرا میتوان امیدوار بود که او بعد از این مدت توانسته است قوانین مناسب برای خودش را پیدا کند و با توسعه این قوانین سیستمی را که منطبق با خصوصیات شخصی اوست خواهد یافت. اما متأسفانه عجله افراد برای بدست آوردن پولهای کلان باعث میشود که قبل از اینکه تجربه حضور در بازار برای آنها به دو سال برسد تمام پول خود باضافه علاقه لازم برای معامله کردن را از دست بدهند و از بازار خارج شوند . تلاش خود را مضاعف کنید و این جمله را بارها و بارها برای خود تکرار کنید : من سیستم مناسب برای خودم را پیدا خواهم کرد و موفق ترین فردی خواهیم شد که با این سیستم بخصوص کار میکند.

3- برای معاملات خود برنامه ریزی کنید و بر اساس برنامه ریزی معامله

کنید . **Plan a Trade and Trade Your Plan**

بدون شک هیچ تریدری بدون برنامه ریزی برای معاملاتش نمیتواند مدت زیادی در بازار دوام بیاورد اما باید توجه داشت که یک برنامه ریزی هر چقدر هم خوب باشد چنانچه با نظم و انضباط آنرا اجرا نکنیم هیچ نفعی برای ما نخواهد داشت.

ریچارد دنیس (بنیانگذار استراتژی لاک پشتها) می گوید هیچ وقت نگران اینکه قیمتها به کجا میروند نباشید بلکه به این فکر کنید که اگر قیمتها به هر طرفی رفتند شما چه خواهید کرد. بدین معنی که وقتی شما یک معامله را آغاز میکنید دیگر هیچ کنترلی بر روی قیمتها ندارید پس نگرانی به شما هیچ کمکی نخواهد کرد. در عوض باید بر روی نقاط کلیدی نمودار تمرکز کنید و از قبل برنامه ریزی کنید که اگر قیمت به این نقاط رسید عکس العمل شما چه خواهد بود. با انجام اینکار شما یک معامله غیر احساسی خواهید داشت و یکی از بزرگترین محاسن این کار عدم اضطراب در هنگام معامله است.

برای مثال فرض کنید شما سهم ایکس را تحت نظر دارید و بنا به دلایل تحلیلی خودتان در قیمت 42 دلار مقدار 100 سهم را خریداری میکنید . بعد از اینکه معامله را آغاز کردید می بایست سوالات زیر را از خودتان بپرسید:

- اگر این معامله خلاف پیش بینی من حرکت کرد با چه میزان ضرر از معامله خارج خواهم شد و یا با توجه به سرمایه و ریسک پذیری ام تا چه میزان ضرر را میتوانم در این معامله تحمل کنم؟
- اگر این معامله در جهت پیش بینی من حرکت کرد من کی و با چه میزان سود از آن خارج خواهم شد و در حقیقت استراتژی من برای خروج همراه با سود از این معامله چیست؟

- آیا اگر این معامله در جهت موافق با پیش بینی من حرکت کند من در چه قیمتی و به چه میزان بر معامله خود خواهم افزود؟
- تا چه زمانی منتظر رسیدن معامله به هدف قیمتی خود خواهم ماند و تا چه زمانی اگر این معامله به حد سود من نرسید از آن خارج خواهم شد و آیا با استفاده از دستور trailing stop برای بستن معامله اقدام خواهم کرد؟

- چنانچه این معامله با ضرر بسته شود من یکبار دیگر معامله خود را با برنامه تریدم چک میکنم و مطمئن میشوم که تمام قوانین را رعایت کرده بودم و سپس منتظر فرصت های بعدی می مانم.

پس شما قبل از ورود به بازار یک برنامه ریزی کامل برای معامله خودتان خواهید کرد . حال به عنوان یک مثال برای برنامه ریزی فرض کنید دستور خریدی برای 100 سهم ایکس در قیمت 42 دلار وارد کرده اید و حد ضرر خود را در قیمت 39 دلار قرار می دهید . در حالی که واقعا نمیدانید قیمتها به کدام سو خواهند رفت ؟

حال فرض کنید که قیمتها در جهت موافق با پیش بینی شما حرکت میکنند. در اینصورت شما دومین دستور خرید خود را در قیمت 50 دلار قرار میدهید و بعد از مدتی دستور بعدی شما نیز در قیمت 50 دلار و با حد ضرر 45 دلار فعال میشود . معامله همچنان در جهت سوددهی برای شما حرکت میکند و شما هم حد ضررتان را بالاتر میاورید و در فاصله مناسبی از قیمت بازار قرار میدهید. نهایتا در قیمت 130 دلار حد ضرر شما میخورد و شما با یک سود کلان از معامله خارج میشوید.

میبینید چنانچه یک برنامه ریزی کامل داشته باشید تا چه حد کارها راحت میشود؟ زمانی که برنامه ریزی کاملی دارید شما میدانید چه کاری میخواهید انجام بدهید. حد ضرر را تنظیم میکنید , به موقع بر میزان معاملاتتان می افزایید و به موقع نیز خارج میشوید. بطور خلاصه در این حالت شما به مانند یک تریدر حرفه ای و فارغ از هرگونه احساسات عمل کرده اید. مطمئن باشید اگر یک برنامه ریزی کامل برای معامله داشته

باشید و با نظم و انضباط آن را دنبال کنید ترید کردن برایتان یک کار ساده و جذاب خواهد شد که هیچگونه اضطرابی را هم به شما وارد نخواهد کرد.

برنامه ریزی برای معاملات مانند برنامه ریزی برای مسافرت است شما باید برای هر اتفاقی که ممکن است رخ دهد یک عکس العمل مناسب و از پیش تعیین شده داشته باشید. خیلی از مواقع معامله همان راهی را می‌رود که شما می‌خواهید اما فراموش نکنید که این اتفاق همیشه ممکن نیست و شما باید آماده باشید که اگر قیمت‌ها به سمت بالا رفتند چه کنید و یا اگر قیمت‌ها سقوط کردند چه خواهید کرد یا حتی مثلا اگر مدت زیادی گذشت و قیمت‌ها بدون نوسان قابل توجه و رو به جلو حرکت کردند تصمیم شما درباره معامله تان چه خواهد بود.

در بسیاری از جلسات و سمینارهای مختلف به کرات شنیده‌ام که افراد سوالاتی می‌پرسند مانند اینکه: " من سهم ایکس را چند ماه قبل به قیمت 25 دلار خریده‌ام به نظر شما هنوز آنرا نگهدارم؟ " من وقتی که این گونه سوالات را می‌شنوم بسیار متعجب می‌شوم و از خودم می‌پرسم چطور امکان دارد که یک نفر اینگونه معامله کند؟ یعنی واقعا این شخص هیچ برنامه‌ای برای معاملاتش ندارد؟ اینطور افراد از بازار چه انتظاری دارند وقتی حتی نقطه خروج از معامله را نمی‌دانند و برای دانستن آن مجبورند مرتبا نظر دیگران را جویا شوند؟

اگر این شخص یک برنامه ریزی برای معاملاتش داشت و از آن مهمتر این برنامه را با نظم و انضباط دنبال میکرد هرگز احتیاج نداشت اینگونه سوال بپرسد. شاید بتوان گفت یکی از مهمترین دلایلی که مردم علاقه دارند نظرات دیگران را دنبال کنند همین نداشتن برنامه ریزی باشد. اکثر مردم ترجیح می‌دهند نظر دیگران را جویا شوند و این نشان‌دهنده نداشتن برنامه ریزی و انضباط در معاملات شان است. با این کار اینگونه افراد خودشان را از زحمت فکر کردن خلاص می‌کنند که خب مطمئنا این کار به نفعشان نخواهد بود.

زمانی که شما شروع به اجرا کردن برنامه خرید خودتان مینمایید نباید احتیاجی به دانستن نظر دیگران داشته باشید. وقتی شما سهم ایکس را زیر نظر دارید و در قیمت 60 دلار آنرا می خرید و حد ضرر اولیه تان را 56 دلار قرار میدهید چرا باید از حرف کسی که میگوید " سهم ایکس را بفروشید زیرا از خرید اشباع شده و بزودی به قیمت 20 دلار سقوط خواهد کرد " دلواپس و نگران شوید؟ اینرا بدانید که اولاً آن شخص هر چقدر هم حرفه ای باشد باز هم امکان اشتباه دارد و ثانياً وقتی حد ضرر شما در قیمت 56 دلار است و به محض افت قیمت در این نقطه پوزیشن شما بسته خواهد شد دیگر جایی برای نگرانی وجود ندارد. در این حالت است که پاسخ شما به سوال " آیا امروز از قوانین مربوط به معاملاتم بطور کامل پیروی کردم؟ " مثبت خواهد بود و پاسخ مثبت به این سوال نشاندهنده این است که مسیر حرکت شما درست است.

من به شما اطمینان میدهم که افرادی مانند وارن بافت و جورج سوروس که در بعضی مواقع ارزش سهامی که خریداری میکنند به 50 میلیون دلار نیز میرسد کاملاً میدانند که قیمت به هر طرفی برود آنها چه خواهند کرد. آیا شما میتوانید تصور کنید که وارن بافت با خودش فکر کند که او به من بیست میلیون دلار از سهم ایکس را خریده ام و الان 15 درصد از ارزش آن کم شده است حالا چه باید بکنم؟ من به شما میگویم امکان ندارد چنین اتفاقی بیافتد. حالا چرا باید بین معاملات شما و این افراد تفاوتی باشد؟ این اصلاً مهم نیست که شما با 5000 دلار یا 50 میلیون دلار معامله میکنید بلکه نکته مهم رعایت قوانین است که برای هر دو حساب لازم است. شما باید تمام احساسات خود را از بین ببرید و فقط بر اساس برنامه ای که قبلاً تنظیم کرده اید عمل کنید.

4- سخت کوش باشید و به این سخت کوشی ادامه بدهید.

Work Hard at Learning How to Trade Properly and Keep Working

آیا شما میتوانید انتظار داشته باشید که با خواندن تعدادی کتاب و رفتن به چند سمینار در عرض یک هفته یک جراح مغز بشوید؟ مسلماً پاسخ شما منفی است ولی با این حال اکثر افراد انتظار دارند در مدت زمان کوتاهی به یک نابغه در بازار تبدیل شوند!

اگر این امکان برای شما وجود داشته باشد که به سراغ تریدرهای موفق بروید و با آنها گفتگو کنید یقیناً درک خواهید کرد که چه مقدار تلاش و کوشش، زمان، پشتکار و ضررهای مادی را تحمل کرده اند تا به جایی رسیده اند که ما امروز آنها را در این موقعیت میبینیم. بین یک تریدر حرفه ای و موفق با یک حقوقدان، دکتر یا تاجر هیچ تفاوتی از نظر زحماتی که باید بکشند تا به هدف برسند وجود ندارد.

در نتیجه شما در ابتدا باید تصمیم بگیرید که آیا واقعا میخواهید یک معامله گر حرفه ای بشوید یا خیر؟ این سوال را از خودتان بپرسید و با صداقت به آن جواب بدهید. از خودتان بپرسید آیا من واقعا به معامله در بازار های مالی علاقه دارم و یا تنها پتانسیل پولی موجود در این بازار است که مرا شیفته خود کرده و باعث شده تا به سراغ آن بیایم؟

دراکثر گفتگوهایی که با افراد برتر در حرفه های مختلف انجام میشود داشتن علاقه به حرفه انتخابی یکی از نکات مشترک همه آنهاست. اگر هدف و انگیزه اصلی شما بدست آوردن پول باشد این هدف دست یافتنی است منتها به شرطی که شما انگیزه کافی برای یادگیری و کوشش را نیز داشته باشید نه اینکه به امید بدست آوردن پول زیاد فقط به دنبال یافتن استراتژیهای بروید که به ظاهر آسان و پولساز به نظر میآیند. علاقه برای بدست آوردن پول چنانچه باعث شود شما فعالیت بیشتری بکنید بسیار هم خوب هست و میتواند در موفقیت به شما کمک کند.

برای من واقعا جای تعجب است وقتی معامله گرانی را میبینم که حتی ابتدایی ترین کتابها راجع به نحوه کار بازار را هم نخوانده اند ولی خیلی هم امیدوارند که سودهای کلانی را که در انتظار آنها نشسته اند، بدست خواهند

آورد. به نظر میرسد که خواندن یک کتاب در مورد اصول و قوانین بازار برای آنها کار بسیار پر زحمتی است. جالب اینجاست که اکثر این افراد براحتهی قادرند یک حساب ده هزار دلاری را در کمتر از شش ماه از بین ببرند.

در حقیقت داشتن معاملات موفق نه تنها مستلزم دانستن اصول معامله گری است بلکه نیازمند تلاش و کوشش برای ماندن در اوج آمادگی می باشد. در بین نوابغ این بازار و در بین تریدرهای موفق ما میتوانیم افرادی را پیدا کنیم که با تلاش و کوشش توانسته اند صاحب حسابهای بزرگ بشوند اما همه آنها سالها زحمت کشیده اند و تلاش کرده اند. بارها شکست خورده اند ولی با یافتن اشکالات کارشان دوباره شروع کرده اند. آیا ما با آنها تفاوت داریم؟ یک حقوقدان سالهای زیادی را زحمت میکشد و تلاش میکند تا به هدف برسد و این مسئله برای افرادی که میخواهند یک تریدر موفق باشند نیز صادق است.

اگر شما تازه کار هستید و میخواهید موفق شوید و به بازدهی های خوب برسید از همین امروز شروع کنید. تصور کنید که سه سال اول ورود به بازار را در حال آموختن در یک دانشگاه هستید. بازار معلم شماست و حسابی که در ابتدا باز میکنید شهریه ای است که باید بپردازید. معنی آن این است که باید سخت کار کنید.

بگذارید این موضوع را در دو قسمت بررسی کنیم. در ابتدا شما میبایست با صرف وقت بر روی خصوصیات فردی خودتان مطالعه کنید و یک روش معامله که با آن احساس راحتی میکنید را انتخاب کنید و سپس یاد بگیرید که با آن روش چگونه درست معامله کنید. در باره آن مطالعه کنید و بپرسید و بیشتر یاد بگیرید. اساسا اولین گام برای شروع، انتخاب یک سیستم مناسب است. با توجه به اینکه پیدا کردن این سیستم کار چندان ساده ای نیست و شاید مجبور شوید بارها و بارها آن را عوض کنید لذا اینکار ممکن است تا مدت یکسال نیز بطول بیانجامد (توجه داشته باشید که در اینجا منظور سودآوری یا عدم سودآوری مناسب سیستم نیست و شما تنها باید سیستمی را پیدا کنید که با خصوصیات رفتاری و درونی شما مناسب

است و با آن احساس راحتی میکنید) در طی این مدت به احتمال فراوان شما مقداری پول از دست خواهید داد توصیه من به شما این است که در اینطور مواقع دست از معامله بکشید و آن را فراموش کنید.

اگر احساس کردید که باز هم دوست دارید به معامله کردن ادامه بدهید و به ترید علاقه مندید برگردید و شروع کنید زیرا در اینصورت میتوانید امیدوار باشید که واقعا به این کار علاقه دارید و امکان موفقیت برای شما وجود دارد.

بعد از اینکه سیستم مناسب را پیدا کردید حال میبایست با نظم و انضباط قوانین آنرا دنبال کنید. باور کنید نظم و انضباط و داشتن دیسیپلین در اجرای قوانین از ملزومات موفقیت است. شما نباید به شرایط فعلی تان قانع باشید و میبایست سیستم تان را توسعه بدهید و سعی در بهینه تر کردن آن داشته باشید. توجه کنید که قانع نبودن به این معنی نیست که هر روز سیستم تان را عوض کنید بلکه هدف فقط بهینه تر کردن سیستمی است که مناسب شماست و با بهینه کردن آن میتوانید به سمت موفقیت گام بردارید. تاکید میکنم که منظور من بهیچوجه این نیست که در سیستم تان فقط به دنبال اشتباه بگردید بلکه فقط سعی کنید خوبها را بهتر کنید. برای داشتن دیسیپلین بیشتر تمرین کنید و بر روی اشتباهاتتان کار کنید تا تکرار نشوند. بله یک تریدر هر قدر هم که حرفه ای و کارآموده باشد باز هم از اشتباه مبرا نیست. به عنوان مثال میتوانید به سرگذشت جس لیورمور توجه کنید. توصیه میکنم نه تنها آن را بخوانید بلکه از آن درس عبرت بگیرید و سعی کنید از راهی که او رفت بر حذر بمانید.

جس لیورمور یک تریدر حرفه ای در بازار سهام و کالا بود. او با یک حساب خیلی کوچک شروع کرد و در عرض مدتی آن حساب را به یک حساب چند میلیون دلاری تبدیل کرد اما نتوانست آن را حفظ کند و تمام حساب چند میلیون دلاری خود را از دست داد. از یک نظر او یکی از تریدر های بزرگ دنیا بود ولی از طرفی کار او ایراداتی هم داشت. مشکل او این بود که نمیتوانست بر احساسات خود غلبه کند. او یکبار یک حساب کوچک را به یک حساب چند میلیون دلاری تبدیل کرد و سپس تما آنرا از

دست داد. اما آیا این تجربه برای او آنقدر عبرت آموز بود تا دیگر آنرا تکرار نکند؟ او با وجود ناراحتی و غمی که از این تجربه داشت باز هم از ابتدا شروع کرد و این بار باز هم با تلاش و کوشش توانست حساب خود را مجدداً به چند میلیون دلار برساند اما با این تفاوت که این بار بعد از هر اشتباهی که منجر به زیان او میشد سریعاً با یادآوری آن تجربه تلخ به خودش هشدار میداد و اجازه نمیداد تا احساساتی عمل کند.

هر کسی میتواند اشتباه کند و این اصلاً ناامید کننده نیست ولی چنانچه از اشتباهات درس نگیریم و آنرا تکرار کنیم دچار مشکل خواهیم شد. لیور مور با وجود اینکه یک تریدر حرفه‌ای بود اما هیچ وقت به اندازه کافی بر روی مسائل روانشناسی کار نکرده بود. مطمئناً اگر او به تمام قوانین مدیریت سرمایه و قوانین ترید خودش بطور کامل عمل میکرد چنین تجربه‌ای برایش اتفاق نمی‌افتاد.

از سرگذشت لیور مور درس میگیریم که در طول مدتی که شما برای حرفه‌ای شدن تلاش میکنید اشتباهات بزرگی در کمین شما هستند تا تمام زحمات شما را بر باد بدهند. اگر میخواهید به سرنوشت لیور مور دچار نشوید فقط کافی است احساسات خود را کنترل کنید و قوانین تریدتان را مو به مو اجرا کنید.

حال ببینیم چه مقدار زمان لازم است تا بتوان یک تریدر خوب و شایسته شد؟ برای اینکه بتوانیم یک تریدر نسبتاً خوب شویم نمیتوان زمان دقیقی را مشخص کرد و این مسئله بستگی به استعداد و تلاش افراد دارد اما من میتوانم زمانی را که معمولاً افراد لازم دارند تا به موفقیت برسند را اینگونه تعریف کنم (تاکید میکنم که این یک شرط مطلق نیست و این زمان برای افراد مختلف تفاوت میکند)

سال اول : باید تلاش کنید و وقت بگذارید تا سیستمی پیدا کنید که نه تنها کارایی داشته باشد بلکه با خصوصیات فرد شما نیز متناسب باشد شروع به مطالعه و خواندن کتابهایی در رابطه با نحوه عملکرد بازار بنماید. برخی از این کتابها ممکن است شما را شگفت زده بکنند پس توجه داشته باشید که نباید بعد از خواندن این کتابها با خودتان فکر کنید که

" همممممم عالییه . بالاخره پیداش کردم " در واقع سعی کنید عمقی تر به مسئله نگاه کنید. از نزدیک تر به تریدرهای موفق نگاه کنید. باید درک کنید که طرف مورد نظر چقدر زمان گذاشته و چه مقدار تلاش کرده تا به یک تریدر موفق تبدیل شده. چه بسیار مواقعی بوده اند که او ضرر کرده و چه بسا چندین بار هم سرمایه اولیه اش را از دست داده است و مجددا شروع کرده. باید پیدا کنید که چه خصوصیات بارزی باعث شده تا آن شخص یک تریدر حرفه ای بشود .

به جلسات و سمینارهایی که در رابطه با بازار برگزار میشود بروید. در این جلسات چیزی را مخفی نکنید زیرا این به زیان شماست . سعی کنید گزارش مفصل از واقعیات معاملاتتان برای افراد حرفه ای بگویید و بعد به راهنماییها و تجارب آنها گوش کنید.

به تمام سمینارهایی که راجع به مفاهیم اولیه نمودارها، تحلیل نمودارها، مطالب روانشناسی، مدیریت سرمایه و ... برگزار میشود بروید و بعد از پایان جلسه به سراغ سخنران بروید و هر گونه سوالی که برایتان وجود دارد را بپرسید. حتی اگر لازم است از او بخواهید تا به شما برای گرفتن پاسخ سوالاتتان وقت بدهد. سعی کنید بیشتر به نمودارها نگاه کنید و روی آنها مطالعه کنید.

در مورد شخص من چه در مورد ترید و چه در مورد زندگی همیشه زمانی که روی خودشناسی کار کرده ام نتایج بسیار مثبتی گرفته ام. توصیه میکنم که شما هم همین کار را انجام دهید. بطور قطع این کار به شما کمک خواهد کرد تا سیستم مناسب خودتان را راحت تر پیدا کنید. اگر شما سیستمی را پیدا کردید و متوجه شدید که مناسب شما نیست خوشحال باشید چون در اینصورت شما توانسته اید از پول و وقت خود محافظت کنید و آنها را بی جهت از دست ندهید. باز هم بگردید. قرار نیست تمام سیستمهای معامله گری برای شما مناسب باشد. عموماً اکثر تریدرهایی که آرزوی موفقیت دارند ممکن است مجبور شوند چندین بار برگردند و از اول شروع کنند تا بالاخره سیستم مناسب را پیدا کنند

سال دوم: یک اکانت با سرمایه کم باز کنید. این اکانت را شهریه ای فرض کنید که میبایست برای یادگیری پرداخت کنید و آمادگی از دست دادن تمام یا قسمتی از آن را داشته باشید. کماکان به مطالعه، یادگیری و رفتن به جلسات و سمینارهایی که میتوانید در این جلسات سوالات تان را بپرسید ادامه دهید توصیه میکنم که هیچگاه برای پرسش و گرفتن پاسخ تامل نکنید و سعی کنید هیچ سوالی را بی جواب رها نکنید.

روشی که برای معامله انتخاب کرده اید و با آن احساس راحتی میکنید را کامل تر کنید. گزارشات معاملات تان را از قبیل سائز معاملات، تعداد آنها و نتیجه شان تهیه و بررسی کنید. مثلا ببینید معاملات سودده تان چند معامله بوده و همینطور زیانده ها. ببینید چند معامله پی در پی سودده و چند معامله متوالی زیانده داشته اید؟ برنامه ریزی کنید (قسمت دوم همین کتاب) و یاد بگیرید که برای هر اتفاقی آماده باشید.

به خواندن و تحلیل نمودارها ادامه دهید. به نظر من شما تنها با خواندن مطلب و بدون بررسی نمودار نمیتوانید پیشرفت خوبی داشته باشید. تا زمانی که به حد کافی این بازی را ادامه ندهید نمیتوانید احساس واقعی که به سراغتان میاید را درک کنید و تا زمانی که این شرایط را احساس نکنید مسلما موفق به کنترل آنها نیز نخواهید شد.

من معتقدم مسایلی مانند مدیریت سرمایه را میتوان براحتی در حساب دمو تست کرد و نتایج مختلف آن را در حساب دمو مشاهده کرد. در حقیقت بحث مدیریت سرمایه یکی از مباحثی است که میتوانید آنرا بدون پرداخت هیچ هزینه ای و تنها با باز کردن یک حساب آزمایشی یاد بگیرید. مدیریت سرمایه یکی از ارکان اصلی این بازار است که بدون دانستن و رعایت کردن اصول آن شانس برای برنده شدن ندارید.

برای درک اهمیت مدیریت سرمایه کافی است 100 معامله را در حالات مختلف و با ریسکهای متفاوت بررسی کنید. مطمئنا از نتایج مختلف و گوناگونی که همین رکن از ارکان بازار در حساب شما ایجاد خواهد کرد شگفت زده خواهید شد.

یک حساب ده هزار دلاری را در نظر بگیرید با ریسک دو نیم درصد و بازده ده درصد. یعنی اگر شما یک معامله زیانده داشته باشید تنها 25

دلار از حسابتان را از دست خواهید داد و اگر یک معامله سودده داشته باشید 100 دلار به موجودی شما اضافه خواهد شد. حال کمی وقت بگذارید و با جابجا کردن اعداد ریسک و بازده تان و همچنین سایر معاملات نتیجه را پس از 100 معامله بررسی کنید. ریسکهای مختلف را جایگزین کنید و ببینید که با هر کدام چه مقدار زیان متحمل خواهید شد. ریسکی را که فکر میکنید برای شما مناسب است در نظر بگیرید و تصور کنید اگر با این میزان ریسک 5 معامله زیانده متوالی نصیبتان شود چه بر سر خودتان و حساب تان خواهد آمد. تصور کنید که اگر در یک معامله 2000 دلار یعنی بیست درصد سرمایه تان را از دست بدهید چه حالی خواهید داشت. آیا میتوانید مجددا برگردید و به کارتان ادامه دهید بدون اینکه این ضرر بزرگ باعث احساساتی شدن شما بشود؟

حالات مختلف را بررسی کنید و همزمان خودتان را در آن شرایط مجسم کنید. هر زمانی که احساس کردید نسبتی را که یافته اید برایتان مناسب است نگاه در حساب واقعی نیز از همان نسبتها استفاده کنید.

تمام توجهتان را به معامله و پیروی از قوانین معطوف کنید. کم یا زیاد شدن موجودی حسابتان اهمیتی ندارد. فکر نکنید چون موجودی حسابتان کوچک است پس ارزش وقت گذاشتن را ندارد. روی آن وقت بگذارید و کار کنید. به اینکه چند دلار بدست میآورید یا از دست میدهید اصلا توجهی نکنید مهم تعداد پیپس هایی است که میگیرید و یا از دست میدهید. بعد از این مدت شما باید آمادگی پاسخگویی به سوالات زیر را داشته باشید :

- عكس العمل من در مواقعی که چند معامله زیانده داشته باشم و سرمایه ام رو به کاهش است چه خواهد بود (پاسخ این سوال را باید با میزان ریسکهای مختلف بدانید)
- آیا من میتوانم از قوانین سیستمی که انتخاب کرده ام پیروی کنم؟
- آیا سیستمی که انتخاب کرده ام در بلند مدت جواب خواهد داد؟

سال سوم: در این سال شما سیستم مناسب خودتان را یافته اید و از اینجا به بعد میتوانید سودهای مناسبی را از بازار بگیرید. اگر در سال سوم شما متوجه شدید که هنوز در پیروی از سیستم تان دچار مشکل هستید و نظم و دیسیپلین لازم را نمیتوانید رعایت کنید از خودتان بپرسید چرا؟ به حساب دمو برگردید و در آنجا امتحان کنید. البته توجه داشته باشید چنانچه این سیستم را برای خودتان مناسب میدانید از چند ضرر پی در پی نگران نشوید و ادامه بدهید. اینگونه ضررها جزء لاینفک بازار هستند و مطمئن باشید اگر شما اصول مدیریت سرمایه را رعایت کنید هیچ مشکلی برای شما ایجاد نخواهد شد.

سال چهارم: اگر شما هنوز (در سال چهارم) مشغول معامله باشید (بدین معنی که توانایی ماندن در بازار به مدت 4 سال را داشته باشید) مطمئناً شما اکنون میتوانید سود مناسبی را بدست آورید. ولی هرگز از خواند و یادگیری نباید غافل شوید. حتی اگر سالیان متوالی سود میکنید اگر از یادگیری و مطالعه غافل شوید ممکن است مجبور به تحمل ضررهای زیادی بشوید.

تمام افراد موفق در بازار با وجود اینکه سودهای خوبی را از بازار میگیرند ولی همیشه به مطالعه و دانستن بیشتر اهمیت میدهند. شما نیز باید اینگونه باشید

بسیار خوب. حالا تصمیم بگیرید آیا شما حاضرید حدود چهار سال وقت بگذارید تا معامله در بازار را بصورت کامل و عملی یاد بگیرید؟ اگر پاسختان منفی است بهتر است از همین حالا اینکار را فراموش کنید و به سراغ کار دیگری بروید.

اگر شما میخواهید یک تریدر درجه یک باشید میبایست سخت کار کنید. گول افراد و تبلیغاتی که به شما وعده سودهای 100 درصدی میدهند و میگویند می توانید در این بازار سودهای کلان ببرید بدون اینکه زحمت بکشید، تلاش کنید، بخوانید و یاد بگیرید و زمان صرف کنید را نخورید. چنین چیزی ممکن نمیشود اما مطمئن باشید اگر واقعا زحمت بکشید و کار

کنید بازدهی ای که نصیب تان خواهد شد ارزش این زحمات را دارد و از این بازدهی شگفت زده خواهید شد.

www.tfx.ir

5- خود باوری (داشتن اعتماد به نفس)

Positive Self-Belief

شما نه تنها میبایست به سیستم تریدتان اعتماد داشته باشید بلکه برای انجام معاملات نیز باید اعتماد به نفس داشته باشید تا بتوانید معاملات موفق داشته باشید .

تمام معامله گران حرفه ای اذعان دارند که مهمترین اصل برای انجام معاملات موفق داشتن نظم و انضباط در پیروی از قوانین است و این اصل لازم برای کسب بازدهی در بازار میباشد. کفایت شما تنها یکی از سیگنالهای سیستم تان را در هنگام ورود و خروج بدرستی اجرا نکنید در اینصورت پول زیادی را که با سختی بدست آورده اید از دست خواهید داد. اعتماد به نفس زمانی بدست میاید که شما به کرات تمام قوانین سیستم تان را با نظم و انضباط دنبال کنید زیرا این تکرار باعث بوجود آمدن نوعی نگرش مثبت در شما خواهد شد که برای موفقیت به آن احتیاج دارید. شاید لازم باشد که هر از چند گاهی مروری بر رفتار و دیسیپلین خود داشته باشید و به بررسی آن بپردازید. شما میبایست در اجرای دقیق سیستم تان مصمم باشید .

چنانچه شما به سیستم تریدتان و جزئیات آن اطمینان نداشته باشید مطمئنا در اجرای آن ناموفق خواهید بود. دلیل اینکه برخی از افراد در اجرای سیستم افراد موفق ناکام میمانند نیز همین نداشتن اعتماد است. زیرا زمانی که اینگونه سیستم ها در دوره ای زیانده میشوند شخص خریدار با تصور اینکه سیستم کارایی ندارد آنرا کنار گذاشته و به سراغ سیستم جدیدی می رود در حالی که خیلی از تریدرهای دیگر با همان سیستم در حال کسب سود میباشند. تفاوت آنها با این افراد در این است که آنها به سیستم خودشان اعتماد دارند و برای ضررهای احتمالی کاملا آمادگی دارند. آنها از قبل خود را برای مواجهه با چنین زیانهایی آماده کرده اند و در هنگام زیان فقط صبر میکنند تا شرایط مجددا روبراه شود زیرا مطمئن هستند که در این صورت نه تنها این ضررهای مقطعی را جبران خواهند کرد بلکه برآیند

کارشان سود خواهد بود. اینگونه سیستمها هم سود و هم زیان دارند و مشکل اکثر کسانی که اینگونه سیستمها را میخرند یا از تریدرهای موفق کپی برداری میکنند این است که آنها تحمل ندارند با سیستم بمانند تا دوره زمانی که بصورت اتفاقی دوره زیانده سیستم است و قسمت آنها شده است تمام بشود و دوره سوددهی سیستم فرا برسد و تنها دلیل بروز این مشکل این است که آنها به این سیستم اعتماد ندارند .

برای بدست آوردن اعتماد به نفس مهمترین اصل همان سخت کوشی و فعالیت مداوم میباشد که در بخش 4 همین کتاب راجع به آن صحبت کردیم . شما میبایست آنقدر بر روی بازار و عوامل آن مطالعه کنید تا متوجه شوید چه مسائلی در این بازار عادی و چه مسائلی غیر عادی میباشد . این همان دلیلی است که باعث میشود تا تریدرهای حرفه ای در هنگام مواجهه با یک دوره زیانده به بازار و یا سیستم خودشان بدبین نشوند و این مسایل را عادی بدانند .

همه ما میدانیم که جورج سوروس یک تریدر بزرگ میباشد. این شخص طی سالهای 1980 تا 1990 چند صد میلیون دلار پول را از بازار کسب کرد اما در خلال این مدت او هم دوره هایی را با زیان گذراند. او بارها ضررهای میلیونی را تجربه نمود اما هیچوقت از این ضررها نگران نشد زیرا او میدانست که این زیانها جزء لاینفک بازار و معامله هستند و باید آنها را هم پذیرفت. بعد از هر شکستی پیروزی در انتظار است و معمولاً هر دوره زیاندهی نیز بدنبال خود یک دوره سودده در پی خواهد داشت. بسیاری از معامله گران روش معامله و سیستم تریدشان را پس از چند معامله زیانده غیر کارا می بینند و آن را کنار میگذارند. این افراد هیچ وقت این شانس را ندارند تا از دوره هایی که سودهای بزرگی را می توانستند توسط همان سیستم بدست آورند استفاده کنند.

هر چه را باور داشته باشیم همان را بدست خواهیم آورد. اگر شما فقط بر روی زیان های تان تمرکز کنید بزودی اعتماد به نفستان را از دست خواهید داد. پس اگر شما از نتیجه معاملات تان راضی نیستید بهتر است

اعتماد به نفستان را هم بررسی کنید. هر گاه متوجه شدید احساسات نسبت به ترید بد شده و یا اعتماد به نفستان ضعیف شده معاملات را متوقف کنید و با مرور گذشته سعی کنید دلیل این احساس منفی را بیابید.

دلیل اینکه بعضی افراد هیچ وقت نمیتوانند در این بازار موفق بشوند نوع نگاه آنها به بازار است. کسانی که به این تجارت مانند نوعی قمار نگاه میکنند از این دسته اند زیرا این افراد به هنگام زیان بغیر از خودشان همه کس و همه چیز را مقصر میدانند.

اگر شما باور نداشته باشید که میتوانید پول زیادی را بدست بیاورید (پولدار باشید) مطمئنا هیچوقت نمیتوانید پولدار شوید زیرا خود را مستحق آن نمیدانید. بسیاری از معامله گران را دیده ام که حسابهای کوچک را تبدیل به حسابهای میلیون دلاری کرده اند ولی بعد از مدتی همه آنها از دست داده اند زیرا آنها هیچگاه باور نداشته اند که میتوانند چنین پولی را کسب کنند. اصولا نداشتن باور مثبت برای بدست آوردن چنین پولی دلیل اصلی این است که آنها توان نگهداری از این پول را ندارند. شاید بتوان گفت نداشتن این باور که شما میتوانید چنین پولی را از بازار بدست آورید مانند بمبی است که تمام آن پولهای بدست آورده را نابود میکند.

شما باید از خودتان بپرسید که واقعا باورتان نسبت به ترید و معامله گری چیست؟ آیا شما جزو آن دسته افرادی هستید که مدام به خودشان میگویند در این بازی امکان برنده شدن وجود ندارد؟ آیا شما فکر میکنید بدست آوردن پول و بازدهی خوب از این بازار غیر ممکن است؟ و ... آیا باور شما واقعا اینگونه است؟

حالا باور واقعی تان نسبت به ترید را بگویید. به نظر شما کسب چه مقدار بازدهی در این بازار امکان پذیر است؟ برای بدست آوردن این بازدهی چه مقدار وقت تلاش و هزینه لازم است که شما باید صرف کنید؟ من در ابتدا که شروع به کار در بازار کردم احساس میکردم احتیاج دارم تا ساعتها کار کنم. اکثر سخنرانی ها را گوش میکردم، با بروکرم مدام در تماس بودم، گزارشات بازار را میخواندم، به اخبار گوش میکردم و ... زیرا باور داشتم که باید سخت کار کنم تا به بازدهی خوب برسم و این

باعث شد تا بعد از مدتها نگرشم به خودم عوض شد و اعتماد به نفس خوبی پیدا کردم.

باورهای شما باید مناسب و عاقلانه باشند. برای تمام مشکلاتی که هنگام ترید کردن برای شما پیش خواهد آمد راه حلی نیز وجود دارد. تمام تریدرهای حرفه ای به این مسئله اذعان دارند. آنها اگر ببینند که مدتی با ضررهای غیر عادی روبرو شده اند شروع به تحلیل و بررسی در درون خودشان مینمایند و برای یافتن پاسخ در درون خودشان جستجو میکنند.

اما چگونه میتوان اعتماد به نفس را بالا برد؟

بهترین کار برای بالا بردن اعتماد به نفس فعالیت و کار کردن بیشتر است. برای شروع باید بپذیرید که مسئولیت و نتیجه تمام معاملات تان به خود شما مربوط است. سپس باید تلاش کنید تا سیستم مناسب خودتان را پیدا کرده و آنرا تست نمایید. هر چقدر در مورد سیستم تان تجربه بیشتری کسب کنید مطمئنا اعتماد به نفس شما نیز بالاتر خواهد رفت. در اوایل کار سعی کنید معاملاتتان را با ریسک بسیار کم انجام دهید. برنامه و دورنمای 20 ساله برای ماندن در بازار در ذهن خود ترسیم کنید و برای پولدار شدن یک شبه خیال پردازی نکنید و مطمئن باشید این مسئله هنگامی ممکن می شود که شما به امتیازها و پبیهایی که از ترید بدست میاورید فکر کنید و نه به مقدار پولی که بدست میاورید (در این مورد در بخش بعدی توضیح خواهیم داد)

6- توجهتان را به تعداد پیپها معطوف کنید نه به مقدار دلاری حسابتان View Trading as a Score in Points and Not In Money

به نظر شما چرا من اصرا دارم و مدام میگویم " فقط و فقط قوانین ترید را دنبال کنید و مابقی مسائل را فراموش کنید؟ " اگر ارزیابی شما از معاملاتتان بر اساس واحد دلاری حساب و نه تعداد پیپها باشد مطمئنا نتیجه خوبی نخواهید گرفت .

باید یاد بگیرید که مبنای ارزیابی معاملات شما پول کسب شده و یا از دست رفته نیست بلکه فرض کنید مشغول یک بازی هستید و نتیجه عملکرد شما بوسیله امتیازهایی که کسب میکنید سنجیده میشود. محاسبه موجودی حسابتان را فراموش کنید و فقط بر پیروی بی عیب و نقص از قوانین تمرکز کنید . در اینصورت مطمئن باشید که نه تنها موجودی حسابتان نیز به طبع گرفتن پیپهای بیشتر بالا میرود بلکه به میزان قابل توجهی از استرس شما نیز کاسته میشود .

آیا متوجه شدید زمانی که به موجودی دلاری حسابتان نگاه میکنید در هنگام بالا و پایین شدن موجودی ناخودآگاه این افکار در سرتان پدید می آید که " اوف چه سود خوبی حالا من میتونم یک ماشین تازه بخرم " یا " وای تمام پولی که برای تعطیلاتم کنار گذاشته بودم از دست رفت . " این نوع ترید کردن ترید کردن احساسی است و مطمئن باشید که هیچ تریدر احساساتی نداریم که موفق باشد .

من خودم در اوایل کارم تمام این رویاها و افکار را داشتم. در طول روز و در جریان معاملات همواره این افکار از سرم میگذشت. یکروز حساب میکردم 500 دلار از دست دادم و ناراحت میشدم روز دیگر 500 دلار سود میکردم و احساس میکردم دوباره زنده شدم و دوست داشتم خوشحالی بکنم . حتی اگر من با این خصوصیات می توانستم موفق هم بشوم این موفقیت نمیتوانست لذت بخش باشد.

امروزه من با سیستم ترید خودم که ریسک کم و بازده بالایی دارد موفق هستم اما هر وقت به نمودار نگاه میکنم و تصمیم به خرید یا فروش میگیرم اول تصمیم را با قوانین تریدم چک میکنم. من یک تریدر معمولی اما پیرو سر سخت قوانین هستم. مرور رفتار نوابغ بازار نشان میدهد بعضی از خصوصیات در بین همه آنها مشترک است. آنها هرگز در طی انجام معاملات پنجره ای که موجودی حسابشان را نشان میدهد باز نمیکند و تمام تمرکزشان را بر روی اجرای صحیح معاملات می گذارند.

آنها فقط قوانین را دنبال میکنند و سعی در کسب امتیازات بیشتر دارند. من به جرات میگویم اگر شما با هر نوسان قیمت میزان دلاری سود و زیان تان را چک میکنید غیر ممکن است که یک تریدر حرفه ای بشوید. اگر می بینید بعد از هر سود و زیانی ناخودآگاه به مانده حسابتان رجوع میکنید و با افزایش یا کاهش آن خوشحال یا ناراحت میشوید یعنی یک عامل منفی برای موفقیت بر سر راهتان وجود دارد. اگر میخواهید موفق شوید باید این احساس را از بین ببرید. حتما میپرسید چگونه؟ یک راه دارد و آنهم پیروی از قوانین است. خوب حالا حتما این سوال برایتان پیش میاید که چطور اینکار را انجام دهیم؟ پاسخ من به شما این است که پیروی از قوانین را هدف اصلی خود قرار دهید. اصلا میزان افزایش یا کاهش موجودی را فراموش کنید و فقط تمرکزتان را بر روی اجرای صحیح قوانی قرار دهید. فرض کنید حقوق بگیری هستید که رئیسشان گفته فقط این قوانین را اجرا کن و کاری با نتیجه آن نداشته باش. فرض کنید اجرای درست قوانین فارغ از این که نتیجه چه باشد کافیهست تا شما حقوقتان را تمام و کمال دریافت کنید.

یکی از کتب جالبی که خوانده ام کتاب " چگونه 52 میلیون دلار بدست آوردم " نوشته نیکلاس دارواس میباشد. من این کتاب را بسیار دوست دارم چون وقتی اونو میخونم به خوبی احساس میکنم این شخص چگونه از یک تریدر احساساتی به یک تریدر فارغ از احساسات و مانند یک ربات تبدیل شده است.

اما او چگونه موفق شد؟ او ابتدا قبول کرد که مسئول عملکرد خویش است و در برد و باخت او هیچ کس و هیچ چیز مقصر نیست و سپس سیستم

مناسب خودش را بهینه کرد و برای اجرای آن برنامه ریزی نمود. یکی از دلایل موفقیت او این بود که هیچگاه دلارهایی که بدست میآورد یا از دست میداد را نمی شمرد.

او یک سیستم و یکسری قوانین داشت هنگامی که سیگنال خرید و فروش توسط سیستم صادر میشد درصدی از سرمایه خود را درگیر معامله میکرد و برای او فرقی نمیکرد که 5000 دلار سرمایه دارد و یا 50000 دلار و تنها به تعداد پیپها فکر میکرد. او بدون اینکه به تغییرات حسابش نگاه کند فقط قوانین را دنبال میکرد.

یکبار او به میزان 350000 دلار از سهام شرکتی را در قیمت 53 دلار و بر اساس سیگنال سیستمش خریده بود. پس از مدتی قیمت این سهم رشد کرد و یکروز کارگزار دارواس با او تماس گرفت و گفت تو حالا نزدیک به 250000 دلار سود کرده ای. دارواس به فکر فرو رفت و دید هنوز سیگنال فروشی از سیستمش صادر نشده است. او می دید اگر الان سهامش را بفروشد پول بسیار زیادی نصیبش می شود و یک حسی به او میگفت قوانین را فراموش کن و سودت را بردار و برو. اما او کمی بیشتر فکر کرد و متوجه شد اگر الان این سهام را بفروشد اگر چه پول خوبی بدست خواهد آورد اما مطمئنا در پیروی از قوانینش موفق نبوده است و بالاخره تصمیم گرفت سهام را تا زمانی که قوانین تریدش به او دستور فروش نداده نگهداری کند. طی روزهای بعد قیمت سهم همچنان رشد کرد و دارواس زمانی که سیگنال فروش از سوی سیستم اش صادر شد سهم را فروخت و سودی بسیار بیشتر از 250000 بدست آورد.

اگر قرار باشد شما دائما موجودی حسابتان را چک کنید و به محض بالا و پایین رفتن مانده حسابتان شروع به نقشه کشیدن برای خرج کردن سودها و یا جبران کردن زیان تان بکنید من شک دارم که شما بتوانید به ترید ادامه دهید.

من در اوایل ورودم به بازار بارها و بارها وسوسه می شدم که قوانین ترید را نقض کنم و با خودم میگفتم همین یکبار اما بعد از مدتی که تجربه ام بیشتر شد متوجه شدم که بهیچ وجه و هرگز نباید از اجرای دقیق قوانین سرپیچی کنم و در این مورد حتی یک استثنا هم قابل قبول نیست و همچنین یاد گرفتم که نباید موجودی حسابم را بشمرم و فقط باید به فکر کسب امتیازات بیشتری از این بازی باشم.

فکر میکنید در این بازار چه چیز افراد برنده و بازنده را از هم متمایز میکند؟ مطمئن باشید فقط قدرت و نظم افراد در پیروی از اصول و قوانین است که باعث بوجود آمدن برندگان و بازندگان میشود و چون تعداد کمی تریدر می توانند پیدا کنید که واقعا دیسیپلین داشته باشند در نتیجه تعداد افراد برنده بازار نیز بسیار کم است.

7- میان ترید و زندگی شخصی تان تعادل برقرار کنید Keep Trading as Part Of Balanced Life

ترید کردن صرف نظر از اینکه موفقیت آمیز باشد یا خیر حرفه پر استرسی است. زمانی که شخصی ترید میکند چه پولی بدست آورد یا از دست بدهد باید استرس فراوانی را تحمل کند. شما میبایست مانند تمام تریدرهای موفق سعی کنید تا این استرس را از بین ببرید. من تاکنون ندیده ام که یک تریدر حرفه ای و موفق استرس زیادی داشته باشد. اکثر تریدرهای موفقی که من با آنها صحبت کرده ام ریلکس و آرام به نظر میرسند. به نظر من یکی از عوامل موفقیت آنها همین بوده است که توانسته اند استرس را از خودشان دور نمایند.

یکی دیگر از نقاط اشتراک تریدرهای بزرگ توانایی آنها برای دست کشیدن از ترید است و این توانایی از انجایی ناشی میشود که آنها در قبال پوزیشنهایشان خونسرد هستند در حالی که بسیاری از آنها معاملاتی با حجم چندصد میلیون دلار را اداره میکنند. در مقابل خیلی از افراد دیگر حتی با معاملات چند هزار دلاری به شدت هیجان زده میشوند.

اگر شما سعی میکنید که قیمتها و بازار را کنترل کنید در حقیقت وقتتان را هدر داده اید و نتیجه اش تنها تحمل استرس فراوان است. نگاه کردن 24 ساعته به بازار و در تایم فریم های مختلف بعد از باز کردن پوزیشن هیچ نفعی برای شما نمیتواند داشته باشد.

من در پایان روز معاملاتی تمام نمودارها را میندم و مابقی وقتم را صرف ورزش، مطالعه، نوشتن و پیاده روی میکنم و بطور کامل از بازار دور میشوم. در تمام فعالیتهای اقتصادی لازم است که مدتی را به اینگونه مسایل لازم برای زندگی اختصاص دهیم. از زمانی که من سعی کردم ترید را تنها جزیی از زندگیم به شمار بیآورم و به کارها و تفریحات دیگر هم

برسم نه تنها نتیجه معاملاتم بهتر شده بلکه از زندگی شخصی ام نیز بیشتر لذت میبرم.

اما یکبار دیگر رمز موفقیت تریدرهای حرفه ای در این بازار را با هم مرور میکنیم .

- آنها در ابتدا قبول کرده اند که مسئول عملکردشان فقط خودشان هستند و برای موفقیت تصمیم گرفته اند تلاش کنند.

- سیستم مناسبی برای خودشان پیدا کرده اند و آنرا بارها تست نموده اند.

- برای تمام معاملات و جزییات آن برنامه ریزی دارند و به آن عمل میکنند.

- بر روی مسائل اساسی و بنیادی سیستم شان سخت کار میکنند تا آن را بهینه کنند .

- به سیستم و قوانین شان اعتماد دارند و در اجرای بی عیب و نقص سیستم شان اعتماد به نفس بالایی دارند.

- یاد گرفته اند که به اینکار مانند یک بازی نگاه کنند که میبایست از آن امتیاز کسب کنند و هیچگاه موجودی حسابشان را شمارش نکرده و آن را ملاک ارزیابی عملکردشان قرار نمیدهند . اکثر تریدرهای حرفه ای ثروتمند هستند و رمز موفقیت آنها در همین است که به اینکار به عنوان یک سرگرمی نگاه میکنند و ناخودآگاه با کسب امتیازهای بیشتر درآمد هم کسب میکنند .

- آنها میدانند که نمیتوانند هیچ کنترلی بر بازار داشته باشند . ترید کردن تمام چیزی نیست که یک تریدر حرفه ای به آن میپردازد. آنها همیشه بین ترید کردن و زندگی شخصی شان تعادل را برقرار می کنند.

ترید کردن تنها جزئی از زندگی شماست. اگر تمام تمرکزتان را بر روی فراز و نشیبهای آن قرار دهید نه تنها نتیجه رضایت بخشی نخواهید گرفت بلکه باعث خواهید شد تا از دیگر جنبه های زندگیتان نیز غافل بمانید.

اگر شما بتوانید یک میلیون دلار را در این بازار در آمد کسب کنید مسلماً رضایت بخش خواهد بود اما باید دید این پول به چه قیمتی کسب شده و در مقابل بدست آوردن آن از چه چیزهایی جا مانده اید. هدف تنها رسیدن به مقصد نیست بلکه چون شما مدت بیشتری را در راه رسیدن به هدف به سر میبرید در نتیجه نحوه طی مسیر نیز بسیار مهم است.

شما برای انجام تریدهای موفق نیاز دارید تا بعضی اوقات دست از کار بکشید و تجدید قوا کنید. من کاملاً بخاطر دارم چند سال اول که وارد بازار شده بودم تمام روز، شب و تعطیلات آخر هفته را صرف خواندن، نوشتن، نگاه کردن به نمودار و تست سیستم های مختلف میکردم و در حقیقت من تمام نیازهای دیگر زندگی ام را فراموش کرده بودم. بعدها فهمیدم که بدون توجه به دیگر نیازهای زندگی امکان موفق شدن وجود ندارد. بعد از آن سعی کردم تا این اشتباه را دیگر تکرار نکنم و میان زندگی و ترید کردن تعادل ایجاد کنم.

استرس زیاد باعث میشود تا شما نتوانید از زندگی تان لذت ببرید. سعی کنید در ذهنتان ده سال اینگونه ترید کردن را مجسم کنید. به نظر شما بعد از این مدت شما از نتیجه راضی خواهید بود حتی اگر میلیونها دلار پول داشته باشید. ترید کردن مانند مابقی حرفه ها میباشد. شما میبایست از ساعت 9 تا 5 بعدازظهر سخت کار کنید و سپس بطور منظم دست از کار بکشید و به بقیه زندگی تان برسید.

اغلب تریدهای موفق من زمانی بوده است که سهمی را مطابق قوانین سیستم مورد استفاده ام که بلند مدتی میباشد خریداری کردم و سپس حد ضرری برای آن تعیین کرده ام. سپس به تعطیلات و سفر رفته ام و دیگر

به قیمت‌ها توجهی نداشته ام . معمولا بعد از بازگشت با سودهای زیادی مواجه شدم.

اگر شما احساس کنید که میتوانید بازار را کنترل کنید مطمئنا ترید کردن باعث خواهد شد که فکرتان خراب شود و ناامیدتان کند. ولی اگر شما برای خودتان قانونی بگذارید و مثلا بنا به ضرورت سیستم مورد استفاده در طول روز به تعداد معین قیمت‌ها را چک کنید و تصمیم بگیرید بسیار راحت تر خواهید بود و در غیر اینصورت نه تنها وقتتان هدر خواهد رفت بلکه احتمال ارتکاب اشتباه نیز از سوی شما بیشتر خواهد شد.

اگر شما برای معامله سیستم دارید و قوانین آنرا دنبال میکنید پس بعد از انجام خرید و فروش اصولا احتیاجی ندارید تا مدام قیمت‌ها را چک کنید. سعی کنید از وقتتان بطور بهینه استفاده کنید و آن را با نگاه کردن بی مورد به نمودار هدر ندهید .

تجارت در بازارهای مالی یک روش عالی برای کسب پول است ولی ما باید باور کنیم که برای کسب درآمدی قابل توجه میبایست بصورت قابل توجهی نیز کوشش کنیم. اگر شما یک سهم را به قیمت 50 دلار و به میزان 50000 دلار خریداری کنید و بعد از یکسال قیمت سهم 200 دلار باشد در حقیقت شما 150000 دلار درآمد کسب کرده اید . آیا جالب نیست این میزان درآمد را با دنبال کردن قوانین و چک کردن بازار تنها برای چند دقیقه در روز بدست بیاورید. اما بسیاری از تریدرها زمانی که در مثال فوق قیمت به 70 دلار میرسد و در حالی که هنوز سیستم سیگنال فروش نداده است سریعا سهم را به فروش میرسانند و به حساب خودشان سودی را کسب میکنند اما بعد از مدتی تمام سود بدست آمده را در یک معامله دیگر از دست میدهند. اگر شما بتوانید به عنوان یک تریدر زمان مناسبی را برای ترید کردن و اجرای درست قوانین اختصاص دهید مطمئنا پول زیادی را نیز کسب خواهید نمود .